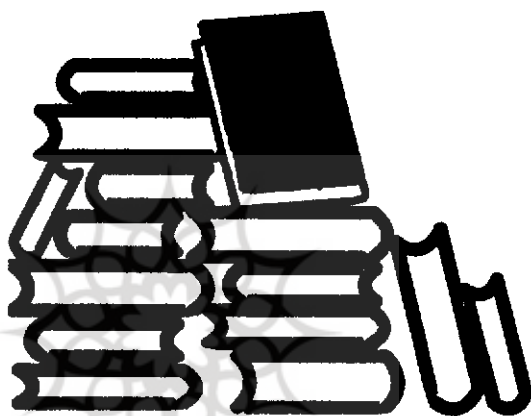


خوانندگان هم حق دارند

نگاهی به کتاب

«دانشنامه قرآن و

قرآن پژوهی»



محمد علی سلطانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات

در شماره ۲۶۱ هفته نامه «کتاب هفته» چهاردهم آذر گفت و گویی از نویسنده پر آوازه جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی نشر یافته است که وی در آن گفت و گو تأکید کرده است: «بر بازار کتاب، اسم‌ها حکومت می‌کنند» و توضیح داده که: «مشکل نویسندگان جوان این است که باید مشهور باشند تا کتابشان چاپ شود، به عبارت بهتر در بازار نشر کتاب، اسم‌ها حکومت می‌کنند مثلاً اگر ناشرین به سراغ من می‌آیند برای آن است که اسمی دارم و می‌توانند از من کتاب در بیاورند...»

به نظر می‌رسد آقای خرمشاهی، علی‌رغم توانایی بر ارائه نوشته‌های قوی و ارزشمند، آثاری راهی بازار کرده است که از ارزش علمی چندانی برخوردار نیست و علمیت فدای تسریع در ارائه آنها شده است. برخی از این آثار اگر از نویسنده‌ای نوپا می‌بود، خوانندگان

می توانستند ضعف آن را به عذر نوپایی در گذرند اما از نویسنده ای چون خرمشاهی نه قابل اغماض است و نه شایسته توجیه!

از جمله این آثار، دانشنامه ای دو جلدی با بیش از دو هزار و سیصد صفحه به نام «دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی» است که در آن مطالب مرتبط و نامرتبط فراوانی در باره قرآن گردآوری شده است. شتاب غیر قابل توجیه در تدوین این اثر موجب شده است نگاشته های سست و نا استوار و گاه اغراق آمیز آن، مقاله های ارزشمند کتاب را هم کم فروغ کند و از این راه افزون بر ضربه ای که بر اعتبار علمی آقای خرمشاهی وارد شده است تلاش تعدادی از همکاران استوار نویس وی نیز کم ارزش جلوه کند. این دانشنامه علی رغم نامش شباهتی به دانشنامه به مفهوم متداول و معروف ندارد و درست تر آن است که نام جنگ یا کشکول بدان نهاده شود. بخشی از نقص های ساختاری این دانشنامه را در جایی دیگر مطرح کرده ام.^۱ در این مقاله گفتنی های دیگری چه در زمینه نقص های ساختاری و یا ایرادهای محتوایی خواهم آورد. بدیهی است نقد کامل کتاب در توان یک مقاله نیست و ضرورتی هم ندارد، هدف در این نوشته یادآوری نکته ای اخلاقی به نام آوران حاکم بر بازار کتاب است که خوانندگان هم حقی دارند اگر رحمی بر کیسه خالی آنان نمی شود، لطفی بر فهم و خرد آنان شود و هر رطب و یابسی به نام مطلب علمی به خورد آنان داده نشود.

پیشگفتار

* * *

نخستین ایراد کلی دانشنامه، بی توجهی به هدف و موضوع آن است. این بی توجهی افزون بر گزینش مدخل ها در محتوای آنها نیز دیده می شود. در ذیل به چندین مورد اشاره می شود:

۱. در بحث و بررسی مفاهیم قرآنی چندین شیوه به کار رفته است که هیچ کدام تناسب لازم با یک بحث قرآنی ندارند. در مواردی وقتی واژه ای مورد بحث قرار می گیرد به نقل وجوه و معانی آن از چند منبع شناخته شده اکتفا می شود. این نقل ها بدون بررسی و گزینش است و در حد کپی کردن یک یا چند صفحه از کتاب منبع می باشد. بحث و بررسی یک مفهوم، واژه و یا اصطلاح چیزی افزون بر نقل وجوه و معانی است. در بررسی واژه ها یا اصطلاحات قرآنی باید افزون بر بیان وجوه کاربردی آن در قرآن، به بررسی، نقد و جمع بندی، بیان رابطه و مفهوم جامعی که واژه در نگاه قرآنی دارد پرداخته شود. به عنوان نمونه در اولین مدخل دانشنامه که «آب» است بیان وجوه آن نقل شده است اما در نهایت نویسنده از نگرش قرآن به مقوله آب و اهمیت آن در زندگی انسان و ارزش آن از نگاه قرآن و

به عنوان آیه ای از آیات الهی هیچ سخنی نمی گوید. آیات قرآنی در باره آب افزون بر معانی ارایه شده در ذیل مدخل در یک نگرش منسجم و ارگانیک به روشنی چگونگی گردش آب بر روی کره زمین را بیان می کند. اگر با این نگرش به موضوع نگاه شود لفظ «ماء» در آیه ۱۸ سوره مؤمنون که در این دانشنامه به نقل از «وجوه قرآن» تفسیری به معنی برف گرفته شده است معنای عام تری پیدا خواهد کرد.

این قبیل بی توجهی به اصطلاحات یا واژه های قرآن در این دانشنامه فراوان دیده می شود، به عنوان نمونه بنگرید به مدخل های: «اثم»، «اجر»، «اجل»، «ارض»، «اخذ»، «ایمان»، «بعثت»، «توبه»، «جهد»، «آتش در قرآن» و غیره. در نگارش این مدخل ها این امر در نظر گرفته نشده است که دانشنامه قرآنی است و باید بحثی قرآنی انجام گیرد. بحث های لغوی صرف و یا بیان وجوه و معانی، بیش از آن که بحثی قرآنی باشد بحثی لغوی است. دلیل روشن بر این که در مدخل های مربوط به واژه ها و اصطلاحات قرآنی، بیان وجوه و معانی کافی نیست، تقسیم پاره ای از همین قبیل مدخل ها به دو مدخل بحث قرآنی و بیان وجوه معانی است. به عنوان نمونه مدخل «آیه» یکبار به طور مستقل مورد بحث قرار گرفته است و بار دیگر با جهت گیری «بیان وجوه و نظایر»؛ اسراف یکبار با جهت گیری بحث قرآنی - اخلاقی و بار دیگر با رویکرد «بیان وجوه و معانی» و مدخل «اسلام» نخست به طور مطلق و به عنوان یک اصطلاح و در پی آن با جهت گیری «وجوه و نظایر» آمده است. این شیوه بحث و بررسی مفاهیم قرآنی گرچه به شیوه درست و دایرة المعارفی نزدیک است اما با کمال تأسف کم تر مورد توجه قرار گرفته است.

شیوه دیگر بررسی مفاهیم قرآنی، اکتفا به بحث قرآنی و فراموش کردن جنبه لغوی و بیان وجوه کاربردی آن در قرآن است. این شیوه را در اصطلاحات و واژه هایی از قبیل جهاد، حرص، حسد و غیره به کار گرفته اند.

بهرتر بود در همه این موارد به قرآنی بودن دانشنامه توجه می شد و نخست قرآنی بودن اصطلاح روشن می شد، آیات قرآنی در ارتباط با اصطلاح آورده می شد، به اختلاف نظرهای عمده - ریب مفسران در باره اصطلاح اشاره می شد، اگر نیاز به مدخل فرعی بود، مدخل فرعی باز می شد. یک جمع بندی نهایی انجام می گرفت و در پایان منابعی برای مطالعه و پژوهش بیشتر ارایه می گردید. منابع مورد استفاده در نگارش مدخل هم با مشخصات کامل آورده می شد.

۲. مدخل‌های غیر قرآنی.

در بسیاری از موارد، مدخل، غیر قرآنی است و یا آن که از جنبه قرآنی بحث نشده است به عنوان نمونه: مدخل «اجاره»، در این مدخل نویسنده به تفصیل ارکان اجاره را مطرح می‌کند و در پایان می‌نویسد:

«در قرآن کریم تنها سه آیه متوالی سوره قصص ۲۷ - ۲۹ بدان اختصاص یافته، در طی این سه آیه به اجاره قسم دوم با برخی از مقومات و شرایطش اشاره شده و افزون بر آن به مشروعیت اجرت اجیر در صداق یا مهر زنان در ازدواج تصریح شده است.»

درست تر آن بود که مباحث فقهی مدخل به کتب مربوطه واگذار می‌شد و نویسنده محترم به بحث اجاره در همان حدی که قرآن بدان پرداخته می‌پرداخت و آن را توضیح می‌داد و یا مدخل به طور کلی حذف می‌شد. مدخل «اجماع» این مدخل به هیچ عنوان یک اصطلاح یا مدخل قرآنی نیست. مدخلی اصولی و کلامی می‌باشد و نویسنده مدخل نیز آن را از زاویه اصولی بحث کرده است. اولاً آوردن آن در این دانشنامه توجیهی ندارد و ثانیاً اگر آورده شود باید تنها از زاویه قرآنی بحث شود. مدخل «استمناء» که صرفاً یک مدخل فقهی است و ربطی به اصطلاحات قرآنی ندارد و جالب آن که نویسنده برای ایجاد ربط بین این مدخل و بحث قرآنی یاد آور شده است که «بنا به مآثورات شیعی حرمت این عمل از ذیل آیه نکاح: «فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون». (پس هر کس که از این فراتر رود اینان اند که تجاوز کاراند). (مؤمنون، ۷/۲۳) قابل استخراج است. (وسائل الشیعه، ۵۷۵/۱۸) اگر چنین ربط‌هایی برای ورود اصطلاحی به دانشنامه قرآنی کافی باشد نویسندگان محترم باید خیلی از احکام فقهی را می‌آوردند، به عنوان نمونه در همین ارتباط «نکاح با بهائم» که حرمت آن از همین آیه استفاده می‌شود، باید مدخل دانشنامه می‌شد.

«ابن الناقد»، دلیل ورود این مدخل به دانشنامه چندان روشن نیست. تنها چیزی که گویا موجب آوردن این مدخل شده است حافظ قرآن بودن ابن ناقد است، اگر چنین باشد باید در ذیل مدخل حافظان قرآن نام وی آورده می‌شد و نیازی به آوردن مستقل آن نبود. همین سخن در باره مدخل «بهلول» نیز مطرح است وی نیز تنها به اعتبار حافظ قرآن بودن در این مدخل راه پیدا کرده است. دست اندر کاران دانشنامه باید در همه این موارد از رویه یکسان پیروی می‌کردند یا همه حافظان قرآن را به طور مستقل در دانشنامه می‌آوردند و یا همه را به طور فهرست وار ذیل مدخل حافظان قرآن ذکر می‌کردند. تفصیل بین موارد هیچ توجیهی ندارد.

«بلوغ الأدب فی معرفة احوال العرب»، دلیل ورود این مدخل به دانشنامه نیز روشن

نیست این کتاب بنا به گزارش نویسنده مدخل «دایرة المعارفی» است که ادب و داده‌های فرهنگی را به گونه‌ای فراگیر در خود جای داده است...؛ و عمدتاً در باره آداب دوران جاهلی سخن فراوان در خود دارد و مطالعه کتاب حاضر اطلاعاتی در خور، پیرامون قبایل عرب را در اختیار خواننده می‌نهد.

در این کتاب - بر پایه گزارش نویسنده مدخل - هیچ نکته یا بحث قرآنی نیست و اگر بحث از جاهلیت عرب، در آوردن مدخل مزبور در این دانشنامه کافی باشد باید بسیاری از کتاب‌هایی که در فرهنگ و ادب و تاریخ جاهلی نوشته شده از قبیل: آیام العرب، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام و ده‌ها کتاب دیگر نیز در این دانشنامه راه می‌یافت.

پاره‌ای از مدخل‌ها را می‌توان به عنوان مدخل قرآنی به حساب آورد اما در بحث و بررسی آنها از زاویه قرآنی بحث نشده است، به عنوان نمونه در مدخل «تفکر»، نویسنده تصریح می‌کند که در قرآن ۱۸ بار واژه فکر و مشتقات آن آورده شده است و به اشاره موارد آن را یادآور می‌شود و آن گاه به تفکر در روایات دینی می‌پردازد. درست‌تر آن بود که با توجه به داده‌های آیات هیجده‌گانه، مفهومی روشن از تفکر و چگونگی نگرش قرآن به این مقوله ارائه می‌شد و قسمت‌های پایانی مقاله که تفکر را از زاویه روایات مورد بحث قرار می‌دهد، به دانش‌نامه‌ها و کتاب‌های روایی وامی‌گذاشت. این شیوه بحث در بسیاری از مدخل‌ها دیده می‌شود از قبیل واژه‌های: تکبیر، تکاثر، تکذیب و بسیاری دیگر از این قبیل اصطلاحات و واژه‌های قرآنی.

اگر این اصطلاحات و واژه‌ها به افراد متخصص در مباحث قرآنی سفارش می‌شد، به حتم بحث‌هایی ارزشمند ارائه می‌شد؛ و خواننده پس از مطالعه هر مدخل برداشت روشن و مشخصی از دیدگاه قرآن در باره این واژه‌ها و اصطلاحات به دست می‌آورد. در حالی که اکنون وقتی خواننده مثلاً در ذیل مدخل «تکذیب» فقط می‌خواند که «اکثر پیامبران مورد تکذیب قرار گرفتند»، «کافران اصحاب نار هستند» در شگفت می‌شود که آیا بحث قرآنی «تکذیب» همین مقدار است چرا مردم پیامبران را تکذیب می‌کردند؟ به چه شیوه‌هایی تکذیب می‌کردند؟ پاسخ و موضع‌گیری پیامبران در برابر این تکذیب‌ها چه بود؟ چه نوع تکذیب‌هایی وجود داشت؟ و دهها سؤال از این دست در ذهن خواننده می‌ماند.

کم‌دقتی‌ها

ایراد جدی و کلی دیگر، بی‌دقتی‌های فراوانی است که در این دانشنامه دیده می‌شود که

در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. در صفحه ۱۸۵ ذیل مدخل ارث می‌خوانیم:

۱) آیات بیانگر تنصیص حکم ارث به نحو کلی: «و لکل جعلنا موالی ممّا ترک الوالدان و الأقربون و الذین عقدت ایمانکم فآتوهم نبصیهم». (نساء، ۳۳/۴) بنابراین آیه، از سه طایفه به نحو کلی می‌توان ارث برد: پدر و مادر، بستگان و کسی که با او عقد اخوت بسته شده است، و به نظر امامیه ارث بردن گروه اخیر منوط به عدم وجود هرگونه وارث نسبی و سببی است.»

عقد اخوت به هیچ وجه از موجبات ارث در هیچ مذهب فقهی نیست. به طور اتفاقی، دو و بنابر غالب، سه و طبق بعضی مذاهب، چهار سبب برای توارث وجود دارد که هیچ کدام از این اسباب عقد اخوت نیست. سبب متفق علیه مذاهب «نسب» و «سبب» است، غالب مذاهب، عقد و لاء را می‌افزایند و پاره‌ای از مذاهب سببی به نام اسلام و یا ولایت را می‌افزایند.

۲. مدخل: ترجمه فارسی (خوانساری).

در ذیل این مدخل می‌خوانیم: «این ترجمه که تحت اللفظی است و به تاج التراجم معروف است در عهد نادرشاه به قلم یکی از علمای نامدار شیعه به نام آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵) انجام گرفته است. نخست بار در حدود سال ۱۸۶۷ م در بمبئی انتشار یافته است. طبع منقحی از این ترجمه ارزشمند به همت یکی از قرآن پژوهان معاصر حجت الاسلام نصیر پور ناشر کاردان دو ترجمه ارزشمند دیگری از قرآن کریم، - یعنی ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند و ترجمه حضرت آیت الله مکارم - ان شاء الله به زودی انتشار خواهد یافت.»

این ترجمه از سویی به یکی از علمای عهد نادر شاه نسبت داده شده و از سوی دیگر به آقا جمال خوانساری! در حالی که عهد نادر شاه از ۱۱۴۸ شروع می‌شود و بنابر تصریح نویسنده مدخل، آقا جمال در سال ۱۱۲۵ در گذشته است و نمی‌تواند از علمای عهد نادر شاه باشد. از آن گذشته شهرت آقا جمال به این که یکی از علمای پرنفوذ عصر صفوی، به ویژه در حکومت شاه حسین و شاه سلیمان صفوی بود برای پیش گیری از حدوث چنین اشتباهاتی کافی بود.

طرفه آن که آقا جمال خوانساری هیچ ترجمه‌ای از قرآن ندارد و چنین انتسابی نادرست

است، ولی نویسندگان دانشنامه علی رغم آگاهی از آن و یادکرد از بطلان چنین انتسابی در ذیل کتابشناسی ترجمه های فارسی قرآن با شماره ۳۹، در سه جای دیگر دانشنامه به طور مفصل آن را آورده اند.

در صفحه ۴۲ در ذیل مدخل آقا جمال خوانساری، در صفحه ۵۵۴ در ذیل مدخل ترجمه فارسی (خوانساری)، در صفحه ۵۵۷ در ذیل ترجمه فارسی (فولادوند) در حالی که اگر لازم بود در ذیل کتابشناسی ترجمه های فارسی ضمن معرفی چند و چون ترجمه، به عدم صحت انتساب آن به آقا جمال خوانساری اشاره می شد. و به مجهول بودن مترجم تصریح می گشت.

۳. مدخل ترجمه فارسی (فارسی - جلال الدین)

در ذیل این مدخل می نویسند: «پیش از ترجمه قرآن، چند ترجمه به قلم آقای جلال الدین فارسی انتشار یافته است که مشهورترین آنها انقلاب تکاملی اسلام نام دارد...» کتاب انقلاب تکاملی اسلام ترجمه نیست بلکه تألیف می باشد.

۴. مدخل «جمع قرآن کریم»

در ذیل این مدخل، نویسنده آن تصریح می کند که «بی شک کاتبان وحی در زمان رسول خدا ﷺ تمام قرآن کریم را می نوشتند چنانکه آن را حفظ می کردند، تدوین نیز می نمودند و پیامبر اکرم ﷺ به آنان دستور می فرمود: که هر آیه را در کجا بگذارند. چنان که حتی پیامبر اکرم ﷺ صحابیان را از نوشتن چیزی از اخبار و احادیث منع می کرد تا مبادا التباس پیش آید...»

منع نگارش حدیث از سیاست های خاص خلیفه دوم می باشد و از دیدگاه شیعی چنین منعی از پیامبر ﷺ نرسیده است، لکن از آنجایی که نویسنده مدخل از برادران اهل سنت است، دیدگاه خاص خویش را آورده است. در ارتباط با همین موضوع در ذیل مدخل «رسم الخط عثمانی» نویسنده روایتی از مصحف ابن داود به این مضمون نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود: «از من چیزی جز قرآن ننویسید و هر کس جز قرآن چیزی از من نوشته، محو کند.» برای دانشنامه ای که در محیط شیعی نوشته می شود، در موارد اختلافی یا باید نظر مقبول شیعی نوشته شود و یا دست کم هر دو دیدگاه آورده شود.

۵. «حسن بصری»

در ذیل این مدخل نویسنده محترم روایتی به این مضمون از امام باقر علیه السلام نقل می کند که :
 «گویند هرگاه او را در نزد ابو جعفر امام باقر علیه السلام یاد می کردند می گفت : «او کسی است که سخنانش با سخنان پیامبران همانندی دارد.»

اگر این مدخل را نویسنده ای شیعی می نوشت قطعاً در پی درستی و نادرستی چنین انتسابی بر می آمد، زیرا در دیدگاه شیعی حسن بصری چندان مطلوبیتی ندارد و به این قبیل گزارش ها اعتماد زیادی نیست.

۶. در ذیل مدخل «تحریف ناپذیری قرآن»، بحث مفصلی در باره داستان تحریف قرآن از دیدگاه شیعه و پاسخ به آن می آورد. این بحث، خوب و خواندنی است اما وقتی موضوع تحریف از دیدگاه شیعه مطرح می شود و دیدگاه اهل سنت در همین باره نادیده گرفته می شود ناخودآگاه این امر در ذهن ها تلقی می شود که گویا در بین اهل سنت هیچ بحثی به عنوان تحریف مطرح نبوده، در حالی که در منابع اهل سنت نیز این مقوله به طور جدی مطرح می باشد.

از دیگر ایرادهای مهم و کلی دانشنامه، اغراق های بی مورد و گزارش های غیر قابل قبول است که در ذیل به مواردی اشاره می شود:

پیشگفتار

۱. دایرة المعارف بزرگ قرآنی.

در ذیل این مدخل، گزارش شگفتی آورده شده است که هیچ توجیه معقولی نمی توان بر آن اقامه کرد. به نظر می رسد نقل گوشه هایی از این مدخل برای نشان دادن بی دقتی دست اندرکاران تدوین دانشنامه ضروری است:

«دایرة المعارف بزرگ قرآنی در بیش از یکصد و چهارده مجلد توسط اینجانب جلیل ملاّ جوادی تألیف و تدوین گردیده است محور اصیل این دایرة المعارف خود قرآن کریم است ...»

این گزارش زمانی شگفتی خود را نشان می دهد که به مدخل شرح حال آقای جلیل ملاّ جوادی نیز توجه شود. در ذیل این مدخل می خوانیم:

«... تا این که در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل و بلافاصله عازم خدمت سربازی شدم در ایام سربازی به دامن یکی از اولیای الهی متمسک و متوسل شدم تا این که ... در پی عنایات و ارشادات الهی آن مرد الهی، شروع به امر بزرگ تألیف و تدوین یک دوره دایرة المعارف

بزرگ قرآنی کردم ... ۴

با احتساب دورهٔ دو سالهٔ سربازی این بزرگوار، نتیجه می‌گیریم که وی در سال ۷۵ شروع به تدوین دایرة المعارف کرده است و طی ۲۴ ماه یعنی تا پایان سال ۷۶ در مجموع ۱۲۰ جلد کتاب و هر جلد ۷۰۰ صفحه نگاشته است، به تعبیری به طور متوسط در هر ماه پنج جلد تألیف کرده است. به نظر می‌رسد این قبیل ادعاها را تنها با مایه گذاشتن از یک مرد الهی مجهول می‌توان اثبات کرد و بس!

۲. هنرور شجاعی.

در ذیل این مدخل، نابغه ای معرفی می‌شود که در سال ۱۳۶۰ در تهران به دنیا می‌آید سپس به آلمان می‌رود. در بازگشت از آلمان علی‌رغم آن که زبان فارسی را خوب نمی‌داند در چهل روز دروس ابتدایی را در مدرسه تطبیقی می‌گذرانند. با ورود به مدرسه راهنمایی، اولین تألیف خود را می‌نویسد و در همین زمان از طریق نووار و شروع، تحصیلات حوزوی را شروع و طی دو سال آن را تمام می‌کند و درس خارج را به همین شیوه شروع می‌کند. در سال سوم راهنمایی تدریس صرف و نحو عربی و تحلیل تاریخ قاجار را می‌آغازد. از سال بعد به تدریس بدایة الحکمه، معالم، اصول استنباط، اصول الفقه مظفر، رسائل، کفایه، شرح لمعه، مکاسب، منظومه سبزواری می‌پردازد و در سال ۱۳۷۶ یعنی در آغاز شانزده سالگی به تدریس درس خارج اقدام می‌ورزد.

این نابغه بزرگ در همین مدت اندک، ۲۴ عدد ناقابل کتاب مهم تألیف می‌نمایند که بناست در سال ۷۸ چاپ و نشر یابد.

چندان روشن نیست که این نابغه آیا تصور و تصدیق درستی از سال و ماه و عدد و رقم ندارد و یا از کتب حوزوی، درس خارج و یا سطح و امثال آن مطلع نیست. با توجه به تب شدید نابغه‌گرایی ادعایی چنان بزرگ از نوجوانی چون آقا آرش هنرور چندان غریب نمی‌نماید اما از اندیشوری چون خرمشاهی بعید است که دانشنامه قرآنی خود را با چنین مزاح‌هایی پر کند!

ایراد کلی دیگر دانشنامه، تکرار محتوای یک مدخل در چند مورد و به چند بهانه است. این قبیل تکرارها به هیچ وجه شایسته دانشنامه که فلسفه وجودی آن پرهیز از زیاده‌گویی و توضیحات غیر لازم است، نمی‌باشد. شایسته آن بود با بهره‌گیری از مدخل ارجاعی از این قبیل تکرارها جلوگیری می‌شد، به عنوان نمونه موردی را در ذیل یادآور می‌شویم.

۱. ترجمه قرآن خرمشاهی.

محتوای این مدخل، دست کم چهار بار و با چهار عنوان تکرار شده است. در صفحه ۵۵۱ آقای خرمشاهی خود به تفصیل این ترجمه و ویژگی های آن را توضیح می دهد. آن گاه ذیل عنوان کلی کتابشناسی ترجمه های فارسی تحت شماره ۳۷ توسط آقای محمد علی هاشم زاده توضیحی ارایه می گردد. در صفحه ۷۸۲ تحت عنوان تفسیر و ترجمه خرمشاهی، توسط آقای خرمشاهی توضیحاتی ارایه شده که چندان با توضیحات صفحه ۵۵۱ فرق ندارد و در نهایت در صفحه ۹۸۵ ذیل مدخل «خرمشاهی» تحت شماره ۵ از کارهای قرآنی خرمشاهی همان حرف های قبلی تکرار شده است. سه نگاشته از این چهار مدخل توسط خود آقای خرمشاهی نوشته شده است. در حالی که می توانست با توضیح کامل، ذیل یک عنوان از عناوین گذشته در بقیه مدخلها از عنوان ارجاعی بهره بگیرد. کاری که آقای مسعود انصاری مترجم قرآن و همکار آقای خرمشاهی در نگارش دانشنامه انجام داده اند. شبیه این کار ولی با حجم کم تر در مدخل های مربوط به ترجمه های قرآن، انجام گرفته است، به عنوان نمونه: ترجمه قرآن امامی در صفحه ۵۴۵ و مدخل امامی بند ۱۰ در صفحه ۲۸۸، محتوای دو مقاله متنیان و معارضان قرآن و چندین مورد دیگر.

پیشگفتار

ایراد دیگر این دانشنامه خلط بین مفسران و تک نگاران است. این ایراد می تواند ذوقی تلقی شود اما اگر چنین خلطی بوجود نمی آمد حق مفسران بزرگ که یا به تفسیر همه یا بخش اعظم قرآن پرداختند یا آن که بخش اعظم فعالیت خود را روی قرآن انجام دادند ضایع نمی شد و افرادی که به تفنن یا به تناسب کاری دیگر نیم نگاهی هم به مقوله ای از مقولات قرآنی داشتند، به عنوان مفسر، بیش از حد لازم بزرگ نمایی نمی شدند. چه خوب بود آقای خرمشاهی برای مفسران دو مدخل مستقل یکی زیر عنوان و نام مفسر و دیگر زیر عنوان و نام تفسیرش باز می کرد و در مدخل تفسیر، ویژگی های تفسیری را بیان می کرد و در مدخل مفسر، شرح حال - با زاویه نگرش مفسری - مفسر را می نوشت و در باره تک نگاریها، تنها یک مدخل باز می شد که همان عنوان کتاب می بود و عنوان مستقلی زیر نام مؤلف گشوده نمی شد. این شیوه موجب انسجام و فشرده شدن دانشنامه می گردید، و در نتیجه نام بسیاری از افراد که گوشه چشمی به مقوله های قرآنی داشتند به گونه تبعی می آمد.

ایراد کلی دیگر این دانشنامه ورود مطالبی بی ربط به قرآن در شرح حال های خود نوشته قرآن پژوهان است. تناسب موضوع دانشنامه چنین اقتضا می کرد که قرآن پژوهان در شرح حال خود تکیه اصلی را روی کارهای قرآنی می گذاشتند و عرصه دانشنامه قرآنی را با کتب

شرح حال اشتباه نمی گرفتند و دانشنامه را که فلسفه وجودی آن گزیده گویی است به میدان درد دل و قصه سرایی تبدیل نمی ساختند. چه معنا دارد که در یک دانشنامه قرآنی فردی دعوی شخصی خود با شهردار یا امام جمعه ای را در آن مطرح کند و یک موضوع بی اهمیت را با مطرح کردن در چنین کتابی موضوع تاریخی سازد. اگر آن شهردار یا امام جمعه از حق قانونی خود بهره بگیرد، دانشنامه قرآنی آقای خرمشاهی تبدیل به یک دعوی حقوقی نخواهد شد؟ (ص ۱۲۱۲)

و یا آن که نویسنده دیگر به تفصیل چگونگی مشارکت خویش در تشکیل حزب زحمتکشان و یا با غداری و نقشه کشی و غرس چند اصله مرکبات و امثال این مباحث را به خورد علاقه مندان قرآن و قرآن پژوهی می دهد. (ص ۱۹۰۱)

یا فردی دیگر، قصه چگونگی دست یابی به عنوان فامیلی خود (۲۰۸۵) و یا خیاطی مادرش و تاریخ و چگونگی تولد فرزندان را با طول و تفصیل شرح دهد (۲۰۹۴) و همه را به حساب قرآن پژوهی به خورد قرآن دوستان دهد!!

و نویسنده ای دیگر فرصت را غنیمت شمرده با تفصیلی ممل چگونگی تجدّد گرایی پدرش و چسانی بازگشت خویش به روند زندگی گذشته فامیلی خود را شرح داده و قرآن دوستان را پای قصه زندگی نیاکان خویش نشاند! (ص ۲۳)

از این موارد در دانشنامه به وفور دیده می شود، گرچه آقای خرمشاهی این بخش از دانشنامه را موجب خوشخوانی دانشنامه می داند و می نویسد:

«این زندگی نامه های جان و جوهر دار بیش از هرگونه مقالات و مقولات دیگر به زندگی و سرزندگی و خوشخوانی این دانشنامه می افزاید و هر یک سند فرهنگی ارزشمندی است.»^۲
ولی واقعیت این است که خوشخوانی، مقوله ای است و درست بودن و تناسب داشتن، مقوله ای دیگر. اگر بنا شود هر آنچه که موجب خوشخوانی کتابی شود در آن مندرج شود آیا چیزی جز یک کشکول به دست خواهد آمد؟

به نظر می رسد اگر جناب خرمشاهی همتی به خرج دهند و مباحث تکراری، بی ربط و خارج از موضوع دانشنامه را کنار بگذارند و زندگینامه های خود نوشت را هم به دست نویسندگان قوی بسپارند تا آنها را تلخیص کنند و تنها مباحث مربوط را نگهدارند، این دانشنامه دو جلدی با طرح اولیه اش^۳ که یک جلدی بود سازگار خواهد شد و در نتیجه با قیمتی مناسب در اختیار خیل علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

جناب آقای خرمشاهی در مصاحبه با فصلنامه قرآنی بینات^۴ از انتقادات احتمالی، دفع

دخلی کرده‌اند که چندان کافی به نظر نمی‌رسد زیرا «اثر قرآن - شناختی برای غیر متخصصان یعنی عامه مردم با سواد» نوشتن، ملازم تکرارهای ملال‌آور، تفصیل‌های بی‌ربط، اغراق‌گویی‌های باور ناپذیر نیست، افزون بر آن که اگر چنین هدفی جدی گرفته می‌شد باید بسیاری از اصطلاحات فلسفی، اصولی و فقهی که به صورت تخصصی نوشته شده و بحث قرآنی و رنگ قرآنی آن بسیار ضعیف است از قبیل نوشته‌های آقای حامد ناجی را نباید در این دانشنامه می‌گنجاند. چون افزون بر خروج از موضوع، بحث‌های ویژه متخصصان است و نه عامه مردم با سواد غیر متخصص.

در پایان یادآوری این نکته لازم است که تعدادی از نویسندگان مدخل‌های دانش‌نامه رنج‌نگارش مقاله را بر خویش هموار ساخته و تلاش کرده‌اند حرف تازه‌ای بیاورند ولی تعدادی دیگر از سیستم کتاب‌سازی بهره‌گرفته، بحث‌هایی را از اینجا و آنجا بدون هرگونه بازنویسی و هم‌آهنگ‌سازی آن با کل دانشنامه، بریده و در دانشنامه آورده‌اند. بخش‌های عمده و جوه قرآن تفسیری، الوجوه والنظائر، دایرة المعارف تشیع و مؤخره ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی از قرآن کریم، به این شکل، به دانشنامه منتقل شده است. با همه این ایرادها و نقص‌ها باید به نویسندگان مدخل‌ها و شخص آقای خرمشاهی خسته نباشید گفت و به‌جَد از وی خواست، چاپ دوم کتاب را با حوصله و وسواس بیشتری راهی بازار کند تا اعتماد اهل کتاب به آثار وی به تزلزل نیفتد.

پیشانی

۱. کتاب ماه، دین، شماره ۱۴، سال دوم، شماره دوم ۳۰ آذر ۱۳۷۷. در آن مقاله تنها ایرادهای ساختاری مطرح شده است که به اجمال هفت اصل در دانشنامه‌نگاری را که در این دانشنامه مراعات نشده است یادآور شده‌ام. اصل‌های مطرح شده عبارت‌اند از ۱. گزیده‌نویسی
۲. بهره‌گیری از منابع دست‌اول ۳. محور داری ۴. هماهنگی حجم مقالات ۵. پرهیز از تکرار
۶. هماهنگی صوری ۷. استاندارد بودن مدخل‌های اصلی، فرعی و ارجاعی.
۲. فصل‌نامه بیّنات، شماره ۲۰، سال پنجم، زمستان ۷۷، گفت‌وگو با استاد بهاء‌الدین خرمشاهی.
۳. همان.

۴. همان، در این خصوص می‌گوید: «از نظر علمی هم امیدوارم منتقدان و ارزیابان کتاب توجه داشته باشند که هدف ما عالماً و عامداً این بوده که اثری قرآن - شناختی برای غیر متخصصان یعنی عامه مردم با سواد تدوین و طبع کنیم.»